

رویکرد حقوقی دولت‌های حوزه خلیج فارس نسبت به شاخص‌های توسعه پایدار محیط زیست دریایی با تأکید بر حقوق بین‌الملل محیط زیست

| شیما نادری* | دانشجوی دکتری حقوق، گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
| مریم افشاری | استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، ایران
| پروین فرشچی | استادیار گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
| سیدعباس پورهایمی | استادیار گروه حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

اکوسیستم با ارزش خلیج فارس یکی از پرترددترین آبراه‌ها محسوب می‌شود. بسته‌بودن محیط زیست خلیج فارس،^۱ عبور نفت‌کش‌ها و بهره‌برداری بیش از استاندارد جهانی، موقعیت زیست‌محیطی این خلیج را به خطر انداخته است. شایان ذکر است یکی از اهداف حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، حفاظت از محیط زیست و موضوع آن، پیشگیری از آلودگی محیط زیست است؛ از این‌رو از توسعه پایدار می‌توان به‌عنوان شالوده و سنگ‌بنای حقوق بین‌الملل محیط زیست و ابزاری برای مدیریت امروزی و سرمایه‌گذاری در آینده، یاد کرد. مسئله این است که رویکرد حقوقی دولت‌های حوزه خلیج فارس در پایداری توسعه محیط زیست دریایی با تأسی از حقوق بین‌الملل محیط زیست چگونه است؟ این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و از طریق ابزار کتابخانه‌ای، با هدف بررسی رویکرد حقوقی کشورهای حوزه خلیج فارس نسبت به توسعه پایدار محیط زیست دریایی از منظر سند ۲۰۳۰ به مؤلفه‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی می‌پردازد. یافته تحقیق آن است که ناهمگنی و عدم اتحاد در تدوین قوانین مشترک از سوی کشورهای توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته

* نویسنده مسئول؛
Email: shima.naderi@srbiau.ac.ir

1. Persian Gulf
2. Agenda 2030

حوزه خلیج فارس، سرعت دست‌یابی به توسعه پایدار محیط زیست دریایی را کاهش داده و علی‌القاعده راهکار این معضل با تدوین قانون واحد و سیاست‌گذاری‌های غیرتبعیض‌آمیز یکپارچه و تنها با ایفای نقش بهینه هر هشت کشور در تعامل و اتحاد با یکدیگر، میسر و مقدور خواهد بود. **واژگان کلیدی:** شاخص‌های توسعه پایدار، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، محیط زیست دریایی، خلیج فارس، دستور کار ۲۰۳۰.

مقدمه

توسعه پایدار، بستر زندگی و کلیه فعالیت‌های بشری است که اثرات زیادی بر روی سرنوشت تمامی موجودات هستی در ادوار بعدی خواهد گذاشت و از آنجا که مسئله حفاظت از محیط زیست در سطح جهانی به‌عنوان منفعتی مشترک برای بشر مطرح شده است؛ به این ترتیب منافع مشترک و عمومی بشر باید از سوی نسل‌های حاضر، همچنین از سوی بشریت در حقوق نسل‌های آینده رعایت شود. بنابراین تنزل کیفیت محیط زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان است (ICJ Reports of Judgments, Advisory Opinions and Orders, 1996: Vol. 1, paragraph 29).

از این رو احترام به حقوق بشر ارتباط مستقیم و تنگاتنگی به حمایت و حفاظت از محیط زیست دارد؛ چراکه زندگی انسان و تداوم حیات او و کیفیت زندگی منوط به سلامتی و شادابی محیط زیست است (Boyle, 1988)؛ همچنین مشارکت در دست‌یابی به حقوق انسانی، مانند خدمات بهداشتی، آموزشی و حقوقی، امکان مشارکت فعال در بازارکار و مشارکت در حوزه‌های عمومی و سیاسی، مراحل دیگری از دست‌یابی به توسعه پایدار به‌شمار می‌روند (Stevens et.al, 2003:84). با این حال، آنچه هنوز نیاز به بررسی و ارزیابی دارد درون مایه‌های توسعه پایدار است. توسعه اقتصادی، توجه به استانداردها و سازوکارهای حمایت از محیط‌زیست و در نهایت استانداردهای حقوق بشری و اجتماعی ذی‌ربط از ابتدا در زمره پیش‌شرط‌های تحقق توسعه پایدار محسوب می‌شدند. از این رو توسعه پایدار همانند مثلی است که سه ضلع آن، ضرورت توجه همزمان به اقتصاد، حقوق بشر و محیط‌زیست است. آنچه پیوند این سه رکن را مشخص می‌کند از زوایای مختلف قابل بررسی است و به‌نظر می‌رسد یکی از موانع اتفاق‌نظر در خصوص قرائت واحد از توسعه پایدار، همچنین نگرش چندبعدی به قضیه با ترجیح یک بعد و یا نادیده گرفتن سایر ابعاد قضیه است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۲۹).

دستور کار ۲۰۳۰، جدیدترین سند اهداف توسعه پایدار به‌شمار می‌رود که شامل ۱۷ هدف کلی و ۱۶۹ هدف جزئی است؛ از این رو این دستورالعمل جهانی در چارچوب‌های اهداف تعیینی، الگوی عمل و فعالیت همه کشورها در ۱۵ سال آتی پس از ۲۰۱۵ خواهد بود. واقعیت‌های جهان امروز حاکی از آن است که هیچ کشوری نمی‌تواند بدون رعایت مسائل محیط زیست و دست‌یابی به توسعه

پایدار به حیاط طبیعی و روبه رشد خود ادامه دهد. هدف اصلی این پژوهش، تبیین رویکرد حقوقی دولت‌های حوزه خلیج فارس درباره توسعه پایدار محیط زیست دریایی با تأکید بر شاخص‌های توسعه پایدار می‌باشد. بنابراین مقاله حاضر ضمن اشاره به تأثیرات شاخص‌های توسعه پایدار بر محیط زیست دریایی خلیج فارس، به دنبال پاسخ به این پرسش است که رویکرد حقوق محور دولت‌های حوزه خلیج فارس با تأکید بر شاخص‌های توسعه پایدار در چارچوب حقوق بین‌الملل محیط زیست، چطور می‌تواند در پایداری توسعه محیط زیست دریایی خلیج فارس مؤثر باشد؟ بنابراین مفهوم توسعه پایدار باید مورد توجه سیستم‌های آموزشی قرار گیرد و به افراد آموزش داده شود که حقوق مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در این زمینه چه کمکی به حفاظت محیط زیست برای نسل‌های آتی می‌کند؟! همین‌طور حفاظت از محیط زیست دریایی نیازمند تدوین برنامه برای اقدامات اصلاحی به منظور کاهش یا حذف آلاینده‌های تأثیرگذار است و مقابله با آثار زیان‌بار و مخرب بر محیط زیست دریایی نیز باید مورد توجه قرار گیرد (احمدزاده، ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۷۶). به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت این پهنه آبی ارزشمند و پیشگیری از هرگونه اتفاق از جمله: آلودگی، جنگ و ... همکاری دولت‌های محصور یعنی: ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، عمان، امارات متحده، قطر و بحرین بیشتر از قبل انتظار می‌رود. دولت‌ها از قوانین گردآوری شده‌ای پیروی می‌کنند که مسائل، مشکلات محیط‌زیستی و گسترش آلودگی‌های زیست‌محیطی موجب تدوین این مقررات محیط‌زیستی در سطح بین‌المللی و همچنین در سطح داخلی شده است؛ از این رو اهمیت موضوع تا حدی است که براساس اسناد بیشتر بتوان در بسط رژیم حقوقی خلیج فارس گام مؤثر برداشته و حقوق بین‌المللی توسعه پایدار را ضامن حفظ محیط زیست دریایی آن دانست. پس از بررسی در زمینه موضوع مقاله مذکور، به طور مشخص می‌توان بیان کرد تحقیقی که به طور خاص موضوع مدنظر را بررسی و تحلیل کرده باشد، از دسترس نگارنده دور مانده است.

به صورت کلی در این نوشتار به بررسی شاخص‌های سه‌گانه تأثیرگذار بر توسعه پایدار و مرتبط با محیط زیست دریایی در هریک از کشورهای محاط خلیج فارس پرداخته و با در نظر گرفتن این شاخص‌ها در این کشورها به تجزیه و تحلیل دست‌یابی آن‌ها به توسعه پایدار براساس اهداف توسعه پایدار سند ۲۰۳۰ نگاهی اجمالی انداخته می‌شود.

۱- تبیین شاخص‌های توسعه پایدار بر طبق حقوق بین‌الملل محیط زیست

حقوق بین‌الملل محیط زیست شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی است. برخلاف اکثر اصول حقوق بین‌الملل، بسیاری از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست از جایگاه حقوقی شفافی در حقوق بین‌الملل برخوردار نیستند. به عبارت بهتر، حقوق بین‌الملل محیط زیست را می‌توان

«مجموعه‌ای از قواعد حقوق بین‌المللی دانست که موضوع آن، پیشگیری از آلودگی محیط زیست و هدف آن حفاظت از محیط زیست می‌باشد» (Kiss et Beurier, 2004:25)

توسعه پایدار، اساس حقوق بین‌الملل محیط زیست است. به طوری که می‌توان این بخش از نظم حقوقی را «حقوق بین‌الملل توسعه پایدار» نیز نام نهاد. صلح پایدار، زندگی پایدار، با بقای بشریت و نظایر آن دستاوردهای بهره‌مندی از شاخص‌های توسعه پایدار هستند که از اعلامیه ۱۹۸۷ «آینده مشترک ما»^۱ موسوم به گزارش برونتلند^۲ نشأت می‌گیرد. توسعه پایدار سنگ بنای اجلاس زمین را تشکیل داد و در اعلامیه محیط زیست و توسعه ریو نیز تحکیم شد.^۳ اجلاس زمین، دستور کار ۲۱ یعنی برنامه مفصل «تشریح مشارکت جدید جهانی برای توسعه پایدار در قرن بیست و یکم» را تصویب کرد. نشست زمین نه تنها بر آرمان توسعه پایدار تأکید کرد، بلکه از طریق اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ به این مفهوم، محتوایی خاص بخشید (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۵۱). از طرف دیگر، در اجلاس سران جهان در خصوص توسعه پایدار (ژوهانسبورگ، ۲۰۰۲)، با تأیید بر اهداف هزاره، اهداف زیست‌محیطی جدیدی هم پذیرفته شدند. اهداف توسعه پایدار مندرج در «سند ۲۰۳۰» در مقایسه با «اهداف توسعه هزاره» از جامعیت بیشتری برخوردار است و به نظر می‌رسد توانسته تا حد زیادی خلأهای گذشته را جبران کند (Mitchell, 2013:301). البته با اینکه این سند یک دستورالعمل جهانی است، اما در تدوین اهداف توسعه پایدار از عناصر چهارگانه «جامع‌نگری»، «شفافیت»، «عدالت محوری» و بومی‌نگری غفلت شده است (پورهاشمی، ۱۳۹۶: ۱۹). ۱۶۹ هدف فرعی سند ۲۰۳۰، راه‌کاری اجرایی برای دستیابی به ۱۷ هدف اصلی توسعه پایدار است. اهداف اصلی این سند را می‌توان در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار توزیع کرد. شاخص‌های توسعه پایدار به طور فزاینده‌ای در حال تبدیل شدن به ابزارهای محبوب برای نظارت بیشتر بر پیشرفت‌ها و تدوین سیاست‌های کارآمد برای دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد.

1. Our Common Future.
2. Brundtland Report.

تعریف توسعه پایدار در اعلامیه ۱۹۸۷: توسعه‌ای که نیازهای موجود را بدون لطمه زدن به توان نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهای خویش مرتفع می‌سازد.

۳. ر. ک به اصل ۴ اعلامیه ریو در خصوص محیط زیست و توسعه ۱۹۹۲.

شاخص‌های توسعه پایدار

شاخص‌های زیست‌محیطی	کشاورزی ارگانیک، آب هوا و کشاورزی، طبیعت و محیط‌زیست، منابع آب تجدیدپذیر، میزان گازهای گلخانه‌ای منتشر شده، کیفیت هوا، تنوع زیستی، منابع طبیعی، آب کافی.
شاخص‌های اجتماعی	حکمرانی خوب، برابری جنسیتی، رفاه بشری، رفاه محیطی، آموزش، زندگی سالم، سلامتی، توسعه شخصی، اجتماعی و اشتغال.
شاخص‌های اقتصادی	توزیع درآمد، تغییر و انتقال، تولید ناخالص ملی، بدهی‌های عمومی، میزان پس‌انداز واقعی، مواد غذایی کافی.

منبع: <http://www.ssfindex.com>

۲- نقش اهداف توسعه پایدار با رویکرد حقوقی به کشورهای حوزه خلیج فارس

در حقوق بین‌الملل محیط زیست هدف از مسئول شناختن دولت‌ها نه تنها مجازات و تنبیه آن‌ها، بلکه جبران خسارت زیست محیطی است (Dixon, 2008: 241). از این رو دولت‌ها متعهد به پیروی از اهداف توسعه پایدار هستند؛ آن‌ها ملزم به اجرای تعهدات با در نظر گرفتن این اهداف می‌باشند و از طریق اجرای معاهدات بی‌شماری که شامل اهداف توسعه پایدار می‌شود، مقررات واقعی مربوط به این اهداف را به جلو پیش می‌برند (Barral, 2012: 398). در همین زمینه، به منظور حفاظت از محیط زیست دریایی خلیج فارس که یکی از آلوده‌ترین و در عین حال آسیب‌پذیرترین مناطق دریایی به حساب می‌آید، با همکاری «یونپ» از ۱۵ تا ۲۳ آوریل ۱۹۷۸ کنفرانسی با حضور نمایندگان هشت کشور منطقه خلیج فارس در کویت با تلاش مقامات صلاحیت‌دار تشکیل شد. نتیجه آن کنفرانس تنظیم و امضای کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری درباره حمایت از محیط زیست دریایی خلیج فارس در برابر آلودگی است، که به کنوانسیون کویت معروف شد؛ این کنوانسیون دولت‌های منطقه را موظف می‌کند در سطوح ملی و منطقه‌ای تصمیمات مقتضی را در راستای حفاظت از محیط زیست دریا در برابر منابع آلودگی متعدد اتخاذ کنند. تصویب و اجرای کنوانسیون کویت نمونه‌ای از خرد جمعی برای مقابله با چالش‌های زیست محیطی منطقه خلیج فارس و دریای عمان است. تحقق آرمان‌های این کنوانسیون و کارآمدی این ابزار قانونی در گرو اراده سیاسی کشورهای منطقه، پای‌بندی آن‌ها به تعهدات‌شان و اهتمام این کشورها به اجرای کنوانسیون و

پروتکل‌های الحاقی آن است. همچنین موجودیت یافتن سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی^۱ تدبیری هوشمندانه بود که برای نجات محیط زیست این منطقه ژئواستراتژیک به ثمر رسید. شش کشور عربی حوزه خلیج فارس یعنی امارات، قطر، کویت، عمان، عربستان سعودی، بحرین در سال ۱۹۸۱ اتحادیه‌ای با عنوان «شورای همکاری خلیج فارس»^۲ تشکیل دادند. کشورهای کوچک یا ذره‌ای^۳ خلیج فارس از جمله: قطر، کویت، بحرین، امارات متحده عربی و عمان، که به لحاظ جغرافیایی فاقد مساحت، عمق و دامنه ژئوپلیتیکی اند و همین عامل سبب شده تا هریک از این کشورها به تنهایی فاقد بازدارندگی سیاسی و امنیتی برای کشور خود بوده؛ همچنین برای ثبات و تأمین امنیت خود نیازمند جلب حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشند. امنیت ملی کشورهای منطقه به شدت به اقتصاد آن‌ها گره خورده است و اقتصاد آن‌ها هم با عامل ژئوپلیتیکی مهمی به نام انرژی، نفت و گاز مرتبط است. این عوامل اقتصادی در انحصار حکومت‌های منطقه است و بخش خصوصی اجازه حضور و بهره‌برداری از این عامل ژئوپلیتیکی را (بدون اجازه دولت‌هایشان) ندارند و بازار رقابتی در این منطقه در راستای سیاست‌های رقابتی حکومت‌ها برای عمق بخشیدن به نفوذ ژئوپلیتیک خود و ایجاد گسست در ژئوپلیتیک کشورهای دیگر به شمار می‌رود. کاهش و یا افزایش قیمت انرژی، برنامه‌های دولت‌های منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن‌ها را در مسیر توسعه با چالش مواجه می‌کند. بی‌ثباتی داخلی‌ای که از طریق کاهش قیمت حامل‌های انرژی ایجاد شده، اثر منفی داشته و از آنجا که دولت‌ها و حاکمان نظام‌های سیاسی (عرب) منطقه برآمده از طبقه خاص اجتماعی هستند، این تلاطم و نوسان در قیمت‌ها، با نوسان در سرمایه‌گذاری ملی همراه شده و تأثیر مستقیم بر وضعیت اقتصادی جامعه خواهد گذاشت و منجر به نارضایتی اجتماعی در جوامع آن‌ها می‌شود (هاشمی و فرجی‌راد، ۱۳۹۵: ۲۹۰). به نظر می‌رسد شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی تحت تأثیر مستقیم محیط محصور این منطقه آبی قرار گرفته که وجود منابع نفتی عظیم، هم در ارتباط میان هریک از این هشت کشور مؤثر بوده و هم اینکه بر روابط آن‌ها با کشورهای قدرتمند اقتصادی خارج از این منطقه تأثیرات منفی زیادی گذاشته است که در نتیجه منجر به کاهش هم‌پوشانی دولت‌های حوزه خلیج فارس در رسیدن به اهداف توسعه پایدار می‌شود.

1. Ropme
2. Gulf Cooperation Council
3. Micro State

۱-۲- معرفی مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه پایدار کشورهای امارات، قطر، عمان و کویت

امارات: کشور امارات یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای حوزه خلیج فارس است و از نظر اقتصادی جزء کشورهای ثروتمند جهان بوده که پس از ایران، طولانی‌ترین خط ساحلی را در خلیج فارس دارد. با وجود وجود آزادی‌های اجتماعی و پیشرفت اقتصادی و رفاه در امارات، این کشور از نظر مشارکت و آزادی‌های سیاسی در سطح پائینی قرار دارد و نهادهای مدنی با محدودیت‌های زیادی مواجه هستند (Bti, 2014:8). منابع عظیم نفتی این کشور در منطقه خلیج فارس و دسترسی آن به تنگه هرمز از طریق سواحل طولانی‌اش، امکانات و درآمدهای گسترده‌ای را برای اجرای پروژه‌های عمرانی و اجرای طرح‌های ویژه برای این کشور فراهم کرده است. از سوی دیگر، امارات با استفاده از موقعیت ساحلی و همچنین وجود بازارهای عظیم منطقه خلیج فارس، با توسعه و گسترش بندر خود، بارانداز اصلی و محل پخش کالا و خدمات در سطح منطقه به‌شمار می‌رود (علیزاده، ۱۳۹۴: ۶۷-۶۸).

دولت بلندپروازانه امارات متحده عربی، چشم انداز توسعه ملی و تعهد به دستیابی به نتایج اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با کیفیت بالا را پیش‌رو دارد. امارات متحده عربی از تمام جنبه‌های معماری به‌صورت هدفمند استفاده می‌کند تا اطمینان حاصل کند که اهداف توسعه پایدار در سطح دولت فدرال و محلی، بومی‌سازی و هماهنگ می‌شوند؛ که این اهداف با استفاده از سازوکارهایی که سیاست‌های ملی و فراملی را هم‌سو می‌کنند و با استفاده از فناوری‌های توانمند و روابط ذی‌نفعان برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار به‌طور کامل و منسجم به‌کار گرفته شده‌اند. در مشارکت بخش خصوصی به‌منظور رسیدن به اهداف توسعه‌ای که با بسیج منابع به‌منظور توسعه پایدار مشترک و تلاش برای تعامل با مردم در مورد مسائل زندگی پایدار میسر است، مدیریت از طریق سازوکارهای نهادی دستور کار ملی و برنامه‌های توسعه محلی موجود برای خدمات رسانی اعمال می‌شود. با این حال، مسیرهای جدیدی برای مشارکت در حال بررسی است.

به‌منظور دستیابی به نتایج بهتر برای محیط زیست و اقتصاد، مفهوم مصرف و تولید پایدار، تمرکز بر روی استفاده از مواد و محصولات است که از روش‌های ابتکاری برای به حداقل رساندن آلودگی از سراسر کشور حمایت می‌کند و هر دو فرایند تولید و مصرف را برای تأمین هدف ۱۲ سند ۲۰۳۰، پوشش می‌دهد (UAE and the 2030 Agenda for Sustainable Development Excellence in Implementation 2017:112).

در سال ۲۰۱۵، امارات متحده عربی یکی از اولین کشورهایی بود که برنامه ۲۰۳۰ را برای توسعه پایدار تصویب کرد و با به‌کارگیری ۱۷ هدف توسعه پایدار که به‌تصویب چهارچوب جهانی جدید

در مورد پایداری منجر شد، نقش اصلی را در انتقال از اهداف توسعه هزاره به اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ از طریق مشارکت در بخش‌های مختلف سطح بالا برعهده گرفت. از این رو در مورد مجموعه جدیدی از اهداف جهانی برای ۱۵ سال آینده و برای دستیابی به برنامه ۲۰۳۰ در سطح ملی و بین‌المللی دارای سیاست‌های مختلف داخلی و بین‌المللی است (UAE and the 2030 Agenda) (for Sustainable Development Excellence in Implementation 2017:134).

قطر: کشور قطری یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای حوزه خلیج فارس است. هدف چشم‌انداز ملی قطر تا سال ۲۰۳۰، تبدیل شدن به یک جامعه پیشرفته که می‌تواند هم‌زمان، توسعه خود را حفظ کند و سطح بالایی از زندگی را برای مردم خود فراهم کند. این چشم‌انداز اهداف بلندمدتی را برای این کشور تعریف می‌کند و ساختاری را ارائه می‌دهد که در آن می‌توان استراتژی‌ها و برنامه‌های اجرایی ملی را توسعه داد. این سازمان می‌خواهد پلی بین حال و آینده ایجاد و نقشه راهی برای توسعه موفق و پایدار فراهم کند.

همچنین این چشم‌انداز ملی، پنج چالش عمده قطر را برطرف می‌کند:

- نوسازی و حفظ سنت‌ها
- نیازهای نسل فعلی و نسل‌های آینده
- رشد مدیریت شده و گسترش کنترل نشده
- اندازه و کیفیت نیروی کار خارج از کشور و انتخاب مسیر توسعه یافته
- رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و مدیریت محیط زیست (<https://www.gco.gov.qa/en/about-qatar/national-vision2030/>)

سرانجام قطر به دنبال ایجاد تعادل بین تأمین نیازهای توسعه‌ای و حفاظت از محیط زیست است. برای این کار، دولت، مؤسسات و یک سیستم حقوقی ایجاد می‌کند که محیط زیست را محافظت کند. این امر با سیاست‌های پایدار برای توسعه شهری و زیربنایی پشتیبانی می‌شود. برنامه توسعه ملی قطر فراتر از یک چشم‌انداز است. این نقشه راهی است برای هدایت کشور به سمت آینده‌ای سعادت‌مند و پایدار. (<https://qlife.com/qnv-2030/>)

کویت: کشور کویت کشوری کوچک با تأثیر زیاد در منطقه و در همسایگی کشور عراق واقع شده است. مردم کویت حضور در انتخابات را پیش از سایر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس آغاز کرده و از این نظر در زمینه دموکراسی سابقه به نسبت طولانی در مقایسه با همسایگان عرب خود در خلیج فارس دارند. از جمله محدود تغییرات ساختار سیاسی در کشور کویت، برگزاری انتخابات شورای شهر در سال ۲۰۰۳، در کویت بود. در این انتخابات با وجود آنکه زنان کویتی حق رأی

نداشتند، دو زن در شورای شهر منصوب شدند؛ همچنین می‌توان به اقدامی بسیار مهم در سال ۲۰۰۵ اشاره کرد که مجلس کویت حق رأی و نامزدی زنان در انتخابات را تصویب کرد و برای اولین بار زنان این کشور صاحب حق رأی شدند (محقق، ۱۳۸۹: ۲۰۶). البته گام‌های مؤثر اولیه از سوی کویت، در جهت اصلاحات سیاسی - اجتماعی بعد از فشارهای قدرت‌های فرامنطقه‌ای و درخواست‌های داخلی برداشته شده است. در نتیجه نشانه‌هایی از آزادی نسبی بیان در رسانه‌های گروهی، تأسیس نهادهای قانون‌گذار منتخب، وضعیت زنان در برخورداری از حقوق سیاسی - اجتماعی و ایجاد برخی نهادها و مؤسسات جامعه مدنی در این کشور به چشم می‌خورد (سیمبر، ۱۳۸۲: ۱۱۶). با این اوصاف می‌توان گفت حد توسعه پایدار در سطح متوسط و ضعیف‌ترین عامل توجه به زنان و شاخص اجتماعی توسعه پایدار است.

دولت کویت اهداف توسعه پایدار را به‌طور رسمی در سپتامبر ۲۰۱۵ تصویب کرد و تصمیماتی را در انعکاسی از تمام اهداف به شرح ذیل اتخاذ کرد: به‌طور اساسی در اولین طرح توسعه ملی کویت با چشم‌انداز تا سال ۲۰۳۵؛ از جمله اهداف توسعه پایدار در چهارچوب توسعه نهادی ملی، برنامه‌های مربوطه، بودجه و ساختار حاکمیت ملی، مشارکت نهادهای دولتی، جامعه مدنی، بخش خصوصی و سایر ذی‌نفعان در این سیاست و سطوح نهادی، اختصاص منابع برای وکالت و ایجاد اجماع را در بر می‌گیرد.

ایجاد کمیته ملی توسعه پایدار^۱ و رصدخانه ملی توسعه پایدار^۲ بخش‌های اصلی تلاش‌های نهادی یکپارچه برای اجرای اهداف توسعه پایدار به‌عنوان یک مشارکت ملی بود. دبیرخانه عمومی شورای عالی برنامه‌ریزی و توسعه^۳ همراه با اداره آمار مرکزی^۴ بیش از سیزده کارگروه ملی که بیش از شصت و شش نهاد از شرکای دولتی، غیردولتی و بخش خصوصی را مخاطب قرار می‌دهد. این کارگاه‌ها فرصتی را برای بحث و تعریف اولویت‌های اهداف توسعه پایدار در زمینه ملی، تعامل با ذی‌نفعان در نقش مربوط به آن‌ها در دست‌یابی به این اهداف و جریان اصلی اهداف در برنامه توسعه ملی کویت (برنامه ۲۰۱۵-۲۰۲۰) فراهم کرد.

(<https://sustainabledevelopment.un.org/memberstates/kuwait>)

دولت کویت به‌طور قابل توجهی در زمینه افزایش آگاهی ملی در زمینه تحول سند ۲۰۳۰ و هدف نهایی آن یعنی «عقب‌نماندن هیچ‌کس» سرمایه‌گذاری کرده است. دولت کویت ضمن تعیین

1. National Sustainable Development Committee (NSDC)
 2. National Observatory on Sustainable Development (NOSD)
 3. The General Secretariat of the Supreme Council for Planning and Development (GSSCPD)
 4. Central Statistical Bureau (CSB)

مسیرهای استراتژیک برای غلبه بر چالش‌ها، از جمله تقویت نقش بخش خصوصی و کاهش تسلط بخش‌های نفتی بر اقتصاد، با ایجاد تعادل در بودجه عمومی و شرایطی برای سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم خارجی و همچنین بهبود زیرساخت‌ها، در راه‌اندازی پروژه‌های توسعه‌ای برای دستیابی به اهداف توسعه‌ی پایدار، در مسیر رو به جلو قرار گرفته است.

کویت «توانمندسازی مردم و اطمینان از فراگیری و برابری»، را طی این سال‌ها در چندین قانون سیاست اجتماعی یکپارچه این کشور معرفی و برنامه‌های حفاظت اجتماعی فراگیر را اجرا کرد، که منجر به بالا بردن سطح استاندارد زندگی، اطمینان از دسترسی جهانی به خدمات اساسی مانند آب تمیز، برق، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، حمل‌ونقل و سایر امکانات رفاهی برای همه ساکنان شد. این موارد برنامه‌های توسعه ظرفیت را تضمین کرده است که گروه‌های آسیب‌پذیر از قدرت برخوردار می‌شوند و از این طریق می‌توانند از نظر اقتصادی مستقل شوند.

تعهد به توسعه همه‌جانبه مبتنی بر حقوق و فرصت‌های برابر، با تکریم و حمایت از سرمایه‌های انسانی و پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، یکی از پیام‌های اصلی کویت است. دولت همچنین متعهد به برقراری صلح منطقه‌ای، جهانی، عزت انسانی، مشارکت جهانی و همبستگی بین‌المللی است. صندوق توسعه اقتصادی عرب^۱ که در سال ۱۹۶۱ تأسیس شد، اصلی‌ترین نهاد برای ارائه کمک‌های توسعه‌ای است. کویت بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۷، زمانی که درآمد به دلیل افت قیمت نفت نسبتاً رو به کاهش بود، سطح بودجه بالای ۲٪ از تولید ناخالص داخلی را با کمک این نهاد، حفظ کرد.

موارد بیان‌شده حاکی از آن است که دولت کویت، با گام‌های بلند تلاش می‌کند تا در مدت کوتاه، به ایجاد بالاترین منفعت برای مشارکت توسعه انسانی پایدار برای همه از طریق دستیابی به اهداف توسعه پایدار سند ۲۰۳۰ و برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۵ برسد.

عمان: کشور عمان یکی دیگر از کشورهای منطقه خلیج فارس است که با توجه به عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی، میان کشورهای حوزه خلیج فارس به لحاظ اقتصادی متوسط بوده و مانند سایر کشورهای این منطقه به صادرات نفت خام وابسته است (حافظ‌نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۸۵). صلح‌طلبی این کشور در زمان جنگ تحمیلی میان ایران و عراق را می‌توان از موارد رسیدن به شاخص اجتماعی و اقتصادی مورد بررسی قرار داد. دولت عمان مشتاق بوده است که ابعاد و اهداف توسعه پایدار را در استراتژی‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای کشورش ادغام کند و بودجه‌هایی را برای اطمینان از دستیابی به آن‌ها در میان‌مدت و بلندمدت اختصاص دهد.

1. The Fund for Arab Economic Development (KFAED)

از این رو کمیته ملی دست‌یابی به اهداف توسعه پایدار تشکیل شده است که یک کمیته سطح بالا است و شامل اعضای وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مربوطه، شورای عمان، نمایندگان بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی است و مجموعه‌ای از وظایف را به آن اختصاص داده است. علاوه بر تهیه گزارش‌های پیگیری سالانه برای اهداف توسعه پایدار، یکی از مهم‌ترین آن‌ها پیگیری فرایندهای ادغام اهداف برنامه توسعه پایدار ۲۰۳۰ در محورهای دستور کار ملی است. از این منظر، اهداف برنامه توسعه پایدار ۲۰۳۰ به یکی از اجزای اصلی و سازنده محورهای چشم‌انداز ۲۰۴۰ عمان تبدیل شده‌اند.

دولت سلطان‌نشین عمان متعهد به دست‌یابی به اهداف توسعه پایدار در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی خود در بازه زمانی مشخص شده است و به‌طور کلی، علی‌رغم چالش‌هایی که نمی‌توان آن‌ها را دست‌کم گرفت، با اطمینان در مسیر درست پیش می‌رود؛ همچنین از توازن روابط خارجی در حفظ ارتباط خود بین اعراب، در محدوده منطقه‌ای و بین‌المللی بهره می‌برد و با مشارکت گسترده جامعه در بررسی، اجرا و ارزیابی طرح‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌هایی برای مقابله با چالش‌ها و دست‌یابی به اهداف موردنظر قدمی استوار بردارد. (<https://sustainabledevelopment.un.org/memberstates/oman>)

۲-۲- معرفی مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه پایدار کشورهای بحرین، عربستان، ایران و عراق

بحرین: کشور بحرین یکی دیگر از کشورهای عربی در منطقه خلیج فارس است. دفتر منطقه‌ای برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد برای کشورهای عربی با عنوان برنامه رهبران جوان^۱ در سال ۲۰۱۵ برای ایجاد پویاترین شبکه منطقه‌ای برای جوانان در راستای نوآوری و ایجاد راه‌های دست‌یابی به توسعه پایدار راه‌اندازی شده است. این برنامه با هدف توانمندسازی نسلی از رهبران جوان، نقش آفرینان و مبتکران اجتماعی، برای رشد ظرفیت خود هم‌سو با اهداف توسعه پایدار در کشور بحرین و دیگر کشورهای عربی طراحی شده است.

دولت پادشاهی تحت رهبری بحرین، بر روی دست‌یابی به اقتصادی متنوع، توسعه‌ای پایدار و جامع متمرکز شده است که منجر به گذر موفقیت‌آمیز از اهداف توسعه هزاره، جای‌گذاری و تأسیس اهداف توسعه پایدار می‌تواند باشد. البته در موارد زیر پیشرفت‌هایی داشته است:

- درصد جمعیتی که در فقر زندگی می‌کنند به صفر نزدیک است.
- هزینه‌های عمومی بر سلامتی، آموزش و امنیت اجتماعی ۳۵ درصد از بودجه را شامل می‌شود.

1. Youth Leadership Programme (YLP)

- تحصیلات ابتدایی، رایگان و اجباری است.
- مراقبت‌های پزشکی، رایگان و جهانی است.
- تساوی در جنسیت به طوری که ۵۵ درصد از زنان جایگاه‌های مهم و اساسی در اجتماع دارند.

• آب سالم، بهداشت و انرژی پاک ۱۰۰ درصد پوشش داده می‌شود.

- ۶۵ درصد جمعیت از خدمات عمومی خانه‌ها در پنج شهر از توسعه پایدار برخوردارند.

(<https://sustainabledevelopment.un.org/memberstates/bahrain>)

عربستان: کشور عربستان یکی از بزرگ‌ترین و محوری‌ترین کشورهای منطقه است. ۱۰ کشور از ۴۹ کشور در دنیا که به‌عنوان «کشورهای محروم از آزادی‌ها» معرفی شده‌اند، بدترین نمرات را به خود اختصاص دادند که در مقوله حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی، کشور عربستان یکی از این ۱۰ کشور محسوب می‌شود (Repucci, 2020: 28). عربستان بیشترین میزان نفوذ را در سازمان همکاری اسلامی، شورای همکاری خلیج فارس و در میان کشورهای عرب دارد و این پرستیژ منطقه‌ای برای آن‌ها می‌تواند به‌عنوان فرصتی جهت پیشبرد برنامه ۲۰۳۰ باشد که قطعاً مسئولان آن کشور هم با لحاظ قرار دادن این موارد برنامه مزبور را تنظیم کردند. بنابراین در ظاهر برنامه متفکرانه و هوشمندانه‌ای است که نقاط ضعف و قوت آن دیده شده است؛ همچنین آینده براساس آن ترسیم شده و او می‌داند که اکنون در چه جایگاهی است و در آینده به چه جایگاهی می‌خواهد برسد، اما شاید یکی از ضعف‌های این برنامه عدم اصلاحات سیاسی باشد؛ از این رو می‌توان عنوان کرد پشت پرده این اصلاحات اجتماعی-اقتصادی در نظر گرفته شده، رگه‌هایی از اهداف سیاسی هم هست.

در نهایت احتمال اینکه عربستان با این سیاست خارجی تهاجمی و تنش‌زا و با صرف هزینه‌های نجومی در بُعد نظامی، بتواند برنامه ۲۰۳۰ را به‌طور کامل در مدت زمان تعیین شده اجرایی کند، بسیار کم است. بنابراین حد توسعه پایدار در این کشور در سطح متوسط رو به پائین است و ضعف‌های زیادی نسبت به کشورهای عربی دیگر به‌خصوص در بخش شاخص‌های اجتماعی و محیطی از جمله زنان، اهمیت به اکوسیستم و ... دارد که می‌بایست مسئولان این کشور با توجه بیشتری به دنبال راه‌کارهایی در جهت افزایش استانداردهای توسعه پایدار باشند.

ایران: کشور ایران یکی از کهن‌ترین تمدن‌ها در منطقه را داشته و با داشتن بیشترین سطح ارتباطی با خلیج فارس بیشترین اهمیت را در توسعه پایدار دارد. ویژگی‌های ژئواکونومیک ایران و عمان هرگونه همکاری میان دو کشور را توجیه می‌کند. شاخصه‌هایی همچون مرز آبی مشترک، قرار گرفتن در

فضای مناسب اقتصاد جهانی، دسترسی‌های بکر دو کشور برای یکدیگر و شرایط خاص اقتصادی و امنیتی تنگه هرمز که لزوم همکاری‌های دو کشور را موجب می‌شود، مهم‌ترین عواملی هستند که رابطه اقتصادی و امنیتی دو کشور را توجیه‌پذیر می‌کنند. بسترسازی همکاری‌ها بر پایه این مؤلفه‌ها، می‌تواند مسیر روشن و امیدوارکننده‌ای را به منظور توسعه روابط با دیگر کشورهای هم‌جوار تسریع بخشد.

مجموعه‌ای از مهم‌ترین اسناد و قوانین مرتبط با هدف کلان دوازدهم توسعه پایدار و اهداف خرد ذیل آن در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. از آن جمله می‌توان به سیاست‌های کلی نظام در «محیط زیست»، «برنامه ششم توسعه»، «علم و فناوری»، «جمعیت»، «سلامت»، «اقتصاد مقاومتی»، «ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور»، «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، «آمایش سرزمین» و «اصلاح الگوی مصرف» اشاره کرد.

لکن چالش‌های مختلفی را می‌توان در نیل به هدف‌های آرمان توسعه پایدار برای کشور ایران برشمرد که مهم‌ترین آن‌ها به طور خلاصه به شرح زیر هستند:

- تحریم‌های ناعادلانه بر ضد جمهوری اسلامی ایران
 - عدم عضویت رسمی ایران در سازمان‌های تجاری جهانی و عدم بهره‌گیری از مزایای آن
 - هماهنگی ناکافی قوانین و مقررات و سیاست‌های اقتصادی کشور با تحولات جهانی
- عراق: کشور عراق یکی دیگر از کشورهای منطقه است؛ که کمترین مرز با خلیج فارس را دارد. از سال ۲۰۱۴ تا ابتدای سال ۲۰۱۹ بخش‌های وسیعی از کشور عراق تحت کنترل داعش بود و درگیری طولانی مدت و پیوسته بین نیروهای مسلح عراق با نیروهای داعش وجود داشت. مسلماً پس از به وجود آمدن داعش در عراق به عنوان تهدیدی جهانی و بی سابقه برای صلح و امنیت بین‌المللی با اعمال خشونت جنسی، ارتکاب تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، سربازگیری از کودکان در گروه‌های مسلح، استفاده از غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی انتظار اجرای شاخص‌های اساسی توسعه پایدار در طی این سال‌ها امری بیهوده است (ساعدی، آرش‌پور، فرزانی نسب، ۱۳۹۸: ۸۱۳) و مطمئناً ترمیم و بازسازی شرایط موجود نیازمند اقتداری راسخ از سوی دولت جدید است.

اولین گزارش بررسی داوطلبانه ملی^۱ به مجمع سیاسی در بالاترین سطح، مؤید به نمایش گذاشتن تجربه یک ملت قدرتمند است که زندگی و توسعه را انتخاب کرده، با وجود سختی‌هایی که کشیدند به قدرت خود اعتماد کردند و همچنین هرگز آرزوی توسعه پایدار را حتی در طول جنگ و سر و صدای آن متوقف نکردند. این عزم راسخ نشان می‌دهد دست‌یابی به توازن لازم بین ابعاد

1. Voluntary National Review (VNR)

اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار، با حفظ صلح و حمایت از حقوق همه مردم و نسل‌های آینده میسر می‌شود. دولت عراق به‌عنوان هماهنگ‌کننده اصلی اجرای اهداف توسعه پایدار، مطابق با چشم‌انداز عراق تا سال ۲۰۳۰، کاملاً معتقد است که اجرای این اهداف فرصتی برای توانمندسازی گروه گسترده‌تری از بازیگران ملی، تقویت گفتگوی ملی، همچنین تقویت مشارکت‌ها در مقیاس گسترده و متعهد به حمایت از ابتکارات اجرا شده توسط جوامع مدنی، دانشگاه‌ها، اتحادیه‌های کارگری و سایر سهامداران است.

وزارت برنامه‌ریزی^۱ به‌عنوان نقطه مرکزی برای هماهنگی، نظارت و گزارش در مورد اجرای دستور کار ۲۰۳۰ و اهداف توسعه پایدار عمل می‌کند. این وزارت، کمیته‌ای ملی برای توسعه پایدار ایجاد کرده تا هماهنگی اقدامات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را بین بازیگران دولتی، ملی، محلی و همچنین با بخش خصوصی، جامعه مدنی، بومی و سازمان‌های بین‌المللی برای بهره‌مندی تمامی اقشار و گروه‌ها از توسعه ایجاد کند.

این بررسی بر روی راهکارها و چالش‌های اجرای چشم‌انداز عراق تا سال ۲۰۳۰ و اهداف توسعه پایدار مربوطه متمرکز و در ارتباط با توسعه انسانی (اهداف ۱، ۳، ۴ و ۵)، حکومت‌داری مناسب و جامعه ایمن (هدف ۱۶)، تنوع اقتصادی (اهداف ۸ و ۹)، محیط پایدار (اهداف ۶، ۱۱ و ۱۳) می‌باشد. این اهداف در برنامه‌های مختلف، از جمله طرح توسعه ملی عراق^۲ (۲۰۲۲-۲۰۱۸) و برنامه دولت عراق^۳ گنجانده شده است. گزارش‌های نهایی نشان می‌دهد که این طرح با بیش از ۷۰٪ اهداف توسعه پایدار هم‌سو است.

در پی آن، دولت عراق، گام‌های مهمی در جهت بهبود حاکمیت و قانون از جمله تمرکززدایی اداری، ایجاد یک شورای عالی ضدفساد، اصلاحات در سیستم‌های مدیریت مالی و ارائه خدمات برداشته است، عراق همچنین به دنبال ایجاد محیطی مناسب برای بخش خصوصی است که انتظار می‌رود همراه با اجرای پروژه‌های بزرگ، مسیر توسعه عراق به سوی کاهش اتکا به نفت تغییر کند. همین‌طور عراق در مواجهه با بحران آب، تلاش می‌کند تا مدیریت کارآمدتری را ایجاد کند و پایداری زیست‌محیطی را در تالاب‌های وسیع خود بازگرداند. واضح است که عراق هنوز در مسیر توسعه پایدار با چالش‌های زیادی روبرو است؛ امروزه نتوانسته است ثبات سیاسی، تقویت گفتگوی ملی و ایجاد ساختارهای حکومتی فراگیر و پاسخگو را در سطح فدرال و محلی تأمین

1. Ministry of Planning

2. National Development Plan (NDP)

3. Iraq Governmental Program

کند. این کشور باید با فشارهای قابل توجه جمعیتی، بحران آب و اثرات تغییرات آب و هوایی مقابله کند. در نهایت همه این چالش‌ها و درس از شکست‌های گذشته، انگیزه‌ای برای سرعت بخشیدن به تلاش‌ها با عزم بیشتر و گسترش مشارکت در تحکیم دستاوردها برای نسل آینده خواهد بود. (<https://sustainabledevelopment.un.org/memberstates/iraq>)

۳- تجزیه و تحلیل دست‌یابی کشورهای حوزه خلیج فارس به اهداف توسعه پایدار

تحولات سال‌های اخیر در فضای اقتصادی و اجتماعی، سیاسی و نظامی منطقه خاورمیانه، سبب تغییرات و تحولات عظیمی در شاخص‌های توسعه‌ای شده است. منطقه خاورمیانه به‌طور خاص حوزه خلیج فارس به‌علت در اختیار داشتن بیش از ۶۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز) نقش ژئواکونومیک ویژه‌ای در عرصه جهانی دارد. نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های توسعه پایدار حاکی از آن بود که کشورهای امارات متحده عربی و قطر با میزان کارایی یک درصد به‌عنوان کشورهای کارا و کشورهای عراق، یمن و سوریه به‌ترتیب با میزان کارایی ۰/۹۷۴، ۰/۹۶۱ و ۰/۹۵۷ درصد به‌عنوان کشورهای ناکارا از لحاظ شاخص‌های توسعه پایدار در خاورمیانه هستند. عوامل مهمی که موجب شد این کشورها در مقایسه با سایر کشورهای توسعه‌یافته به سطح عملکرد عالی از لحاظ شاخص‌های توسعه پایدار دست نیابد، موارد زیر را شامل می‌شود:

- عامل توسعه‌نیافتگی که به موقعیت سیاسی و نفت‌خیز بودن کشورهای این حوزه برمی‌گردد.
- عامل وابستگی عمده کشورها به درآمدهای نفتی که رفتارهای رانت‌جویانه، تقویت بروکراسی و محدودیت و تضعیف نهادهای مردم‌سالارانه را در پی داشته است.
- مانع در فرایند توسعه این کشورها، نابرابری‌های جنسیتی و مشارکت نداشتن جدی زنان در فرایند توسعه این کشورها که جلوی بهره‌برداری از استمدادهای نیمی از جمعیت این کشورها را می‌گیرد.
- وجود میراث استعماری خاص در منطقه و طمع قدرت‌های جهانی در جهت سلطه بر ذخایر گسترده این منطقه که عملاً موجب شکل‌گیری برخی از دولت‌های وابسته و در نتیجه تحدید دموکراسی و تکثر سیاسی شده است. شاخص‌های انسانی در برخی کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عراق بر اثر جنگ ویرانگر افت زیادی کرده است، در حدی که نتوانستند وضعیت شاخص‌های انسانی و رفاه اجتماعی خود را بهبود بخشند. ناگفته نماند شاخص رفاه در عراق حتی پیش از پیش‌روی و پاگیری داعش، روند نزولی داشت (صفرعلی زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰-۹).
- کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس دارای مختصات و ویژگی‌های منحصر به فردی هستند، این در حالی است که بسترهای سیاسی-فرهنگی همگونی در بین این کشورها حاکم و جاری است؛

از سویی به دلیل وجود فرقه‌های مذهبی و قومی، تعدد گرایش‌ها و ساختار سیاسی فرهنگی خاص، همواره این منطقه بستر درگیری‌های درون منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است و مواجهه بستر داخلی کشورها در وسعتی بیشتر، بستر سیاسی - فرهنگی منطقه خاورمیانه و خاصه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس با فرایند جهانی شدن تأمل برانگیز می‌باشد (سنایی، ایرجی‌فر، ۱۳۹۲: ۹۳). از این رو پیش‌داوری نیست اگر بگوئیم اجرای اهداف توسعه پایدار محیط زیست دریایی خلیج فارس نیز متأثر از سیاست حاکم بر کشورهای عربی در حاشیه این خلیج است که این اثرگذاری تاکنون، بیشتر به مانند یک مانع نقش خود را ایفا کرده است. بی‌گمان توسعه پایدار لازمه اساسی مدیریت محیط زیست و یکی از اصول پایه توسعه عمومی هر کشور است. هیچ خط‌مشی جامع و مستقل حفاظت محیط‌زیست و همین‌طور برنامه ملی توسعه پایدار که راهبردهای کلی حفاظت از محیط‌زیست، بهره‌برداری از منابع طبیعی و شیوه همسازکردن جریان توسعه اقتصادی و اجتماعی با حفظ محیط‌زیست برای نسل‌های حال و آینده را برای همه بخش‌ها مشخص کند، تدوین و تصویب نشده است، که یک ضعف عمده مدیریتی تلقی می‌شود؛ چراکه نبود یا عدم تضمین اجرای چنین برنامه‌ای در درجه اول مانع ایجاد هماهنگی و اقدام در جهت توسعه با اهداف مشترك - که لازمه حفاظت پایدار محیط‌زیست است - میان سازمان‌های گوناگون مرتبط با محیط‌زیست می‌شود (عبداللهی، فریادی، ۱۳۸۹: ۱۶۳). با این همه باید توجه کرد که از بین مهم‌ترین موضوعاتی که کشورهای حوزه خلیج فارس در سطح ملی و بین‌المللی برای پیش‌برد جایگاه حقوق محیط زیست دریایی در مقوله حقوق بین‌الملل توسعه پایدار به آن نیاز دارند، اتخاذ راهبرد جامع توسعه پایدار و محیط زیست است. در پی موضوعات مطروحه، سیاست‌هایی قابل‌اتخاذ است که در دستیابی به توسعه پایدار، پیشرفت را برای کشورها به دنبال داشته باشد. اگرچه وضعیت کشورها قطعاً مثل هم نیست، اما برخی ویژگی توسعه‌ای مشترك میان آن‌ها وجود دارد، (Dippenaar, 2004: 271) که می‌تواند زمینه دستیابی به توسعه پایدار را فراهم کند (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۲: ۱۶۰) و بهره‌مندی از اهداف توسعه پایدار، انگیزه‌ای رسمی برای نوآوری کلی در سرعت بخشیدن به پایداری توسعه است (Morton et al., 2017: 87).

بی‌شک اهداف توسعه پایدار خواستار یک رویکرد جهانی و یکپارچه برای توسعه هستند و مضامین اصلی هدف ۱۶ سند ۲۰۳۰ «ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر با هدف توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همگان و تشکیل نهادهای مؤثر، پاسخگو و فراگیر در تمامی سطوح» جوامع صلح‌آمیز و عادلانه را دربر می‌گیرد. این هدف بدون دستیابی سایر اهداف مرتبط

با این مضامین قابلیت موفق شدن را ندارد (SDG16+Progress Report 2019: Institute for Economics & Peace, p.2). پس می‌توان نتیجه گرفت هدف ۱۶ از دستور کار ۲۰۳۰ با ترویج، اعمال قانون و سیاست‌گذاری‌های غیر تبعیض‌آمیز و همچنین با توسعه نهادهای مؤثر، پاسخ‌گو و شفاف در تمام زمینه‌ها با تقویت نهادهای ملی و منطقه‌ای مربوطه، تسهیل‌کننده رسیدن کشورها به توسعه پایدار است و در واقع برای چرخیدن چرخ ۱۶ هدف اصلی، از ۱۷ هدف سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ بهتر است از هدف ۱۶ این دستور کار، طلب یاری و کمک کرد. از این منظر، کشورهای در حال توسعه در حوزه خلیج فارس، در دستیابی به این هدف مهم و اساسی به‌عنوان شالوده و مبنایی برای اهداف دیگر باید تلاش بیشتری به خرج دهند؛ زیرا با جریان یافتن صلح پایدار و مدیریت در ارتقای حاکمیت قانون است که هدایت اهداف توسعه پایدار در مسیر رشد، به‌درستی انجام خواهد گرفت. تجربه اهداف توسعه هزاره نشان می‌دهد که توسعه و پیشرفت از بابت نبود جریان صلح و نهادهای ضعیف در این زمینه‌ها با مانع روبرو شده است. به این ترتیب، در سند ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد در مورد توسعه پایدار، هدف ۱۶، برای بسیاری از اهداف دیگر توسعه پایدار، دستاوردی اساسی تلقی می‌شود (SDG16+Progress Report 2019: Institute for Economics & Peace, p.2).

اجماع عربی برای توسعه پایدار^۱ یک ساختار منطقه‌ای مقدماتی برای بازبینی اجرای اهداف توسعه پایدار سند ۲۰۳۰ در مناطق عربی است.^۲ بر طبق گزارش منتشر شده در سازمان ملل در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۲۰، مناطق عربی نمی‌توانند به اهداف توسعه پایدار دست پیدا کنند. جهان لنگرگاه اثرات دلخراش و آزاردهنده است که همه‌گیری آن‌ها، دستیابی به اهداف توسعه پایدار دستور کار ۲۰۳۰ را با چالش‌های زیادی برای کشورهای عربی روبرو کرده است. گزارش جدید سازمان ملل به نوعی با تسهیل تشکیلات دولتی برای کمک به ساختن جوامعی صلح‌آمیز، متعهد شدن به حقوق بشر و ایجاد فضاهای مدنی، درخواست‌کننده پایان تعارضات است؛ موانعی بهم پیوسته وجود دارد که موجب به تأخیر انداختن انتقال توسعه پایدار به مناطق عربی می‌شود. گزارش توسعه پایدار کشورهای عرب^۳ در ۲۰۲۰ راه حل معجزه‌آسایی پیشنهاد نمی‌کند، بلکه نشان می‌دهد کشورهای عربی در مسیر درستی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار دستور کار ۲۰۳۰ قرار ندارند (<https://www.unescwa.org/news/arab-region-SDGs>). همچنین ایران و عربستان با اهداف و انگیزه‌های مختلف تلاش می‌کنند تا در حوزه‌های منطقه‌ای از جمله شرق مدیترانه به

1. The Arab Forum for Sustainable Development (AFSD-2020)

۲. با توجه به پیشرفت جهانی شیوع ویروس کرونا (کوید ۱۹)، اجماع عربی برای توسعه پایدار تا اطلاع ثانوی معوق خواهد شد.

(<https://www.unescwa.org/events/postponed-arab-forum-sustainable-development-2020>)

3. Arab Sustainable Development Report (ASDR)

مداخله راهبردی مبادرت نمایند. همین‌طور با توجه به گزارش سازمان غیرانتفاعی خانه آزادی، کاهش چشم‌گیر آزادی در ده سال اخیر در هر منطقه از جهان مشاهده شده است که کشور کویت در سطح متوسطی از آزادی ولی امارات و بحرین در بین کشورهای با آزادی پائین‌تر از سطح معمول قرار دارند. (Repucci, 2020: 14)

نتیجه‌گیری

براساس مفهوم توسعه پایدار؛ منابع طبیعی، اقتصادی و فرهنگی برای بهره‌مندی نسل آینده باید محافظت شود، در عین حال باید برای جامعه کنونی، کارآمد و سودمند باشد. از این‌رو توسعه پایدار ابزاری برای مدیریت امروزی و سرمایه‌گذاری در آینده است که خطر آسیب سهوی در استفاده از منابع وابسته به آن را کاهش می‌دهد. به عبارتی توسعه پایدار متناسب با فرهنگ، جغرافیا، قوانین ملی، سیاست‌های منطقه‌ای دارای انعطاف است و کاملاً به شرایط منطقه بستگی دارد.

نیمه‌بسته بودن و شرایط ژئوپولیتیکی منحصر به فرد خلیج فارس، موجب خاص بودن این خلیج آبی در میان حوزه‌های آبی دیگر جهان شده است؛ به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت این پهنه آبی ارزشمند و پیشگیری از هرگونه اتفاق از جمله: آلودگی، جنگ و... همکاری دولت‌های محصور یعنی: ایران، امارات متحده، بحرین، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت بیشتر از پیش انتظار می‌رود. با توجه به این موارد، ضروری به نظر می‌رسد کشورهای حوزه خلیج فارس به شاخص‌های مهم اجتماعی، اقتصادی و محیطی توجه وافر کرده تا بتوانند توسعه را از جنبه محیطی پایدار، به لحاظ اجتماعی عادلانه و درخور جامعه و از نظر اقتصادی سودمند و سازگار کنند؛ از آنجایی که حفاظت از محیط زیست ضامن برقراری صلح در منطقه (و برعکس)، ایجاد نظم و همچنین ضامن همکاری‌های واقعی در سطح منطقه‌ای می‌باشد؛ با اعتمادسازی فراوان، می‌توان به کشف راه‌حلی برای عبور از سد عظیم مشکلات و معضلات زیست‌محیطی پرداخته و نجات بخش میراثی غنی در منطقه‌ای متکی بر منابعی با ارزش بود.

همان‌طور که اشاره شد، کشورهای منطقه‌ای خلیج فارس در مقایسه با سایر کشورهای توسعه‌یافته با توجه به عواملی از جمله وابستگی کشورها به درآمدهای نفتی که منجر به رفتارهای رانت‌جویانه، تقویت بروکراسی و محدودیت و تضعیف نهادهای مردم‌سالارانه شده است و نیز موقعیت سیاسی و نفت‌خیز بودن کشورهای این حوزه، نابرابری‌های جنسیتی و نداشتن مشارکت جدی زنان در فرایند توسعه (که بهره‌مندی از استمدادهای نیمی از جمعیت این کشورها را مانع می‌شود) نتوانستند به سطح عملکرد عالی از لحاظ شاخص‌های توسعه پایدار، دست پیدا کنند.

به عبارتی باید بیان داشت که مفهوم توسعه پایدار به مانند عصایی سحرانگیز در میان دولت‌ها دست به دست می‌شود تا هم توسعه پایدار اقتصادی و رونق زندگی در جوامع مدرن را پدید آورد و هم موجبات پایداری در محیط زیست جوامع سنتی و بومی را فراهم آورد و مفهوم پایداری نیز از همین درهم تنیدگی اجتماعی میان سطوح بومی، ملی، منطقه‌ای و جهانی نشئت می‌گیرد. بی‌گمان هر کدام از کشورهای منطقه آبی خلیج فارس قوانین ملی مربوط به خود را دارند، اما مانع اصلی در رسیدن به اهداف توسعه پایدار، نشئت گرفته از ناهمگنی و عدم اتحاد در تدوین قوانین مشترک مختص این منطقه است. در نهایت، دستیابی به توسعه پایدار محیط زیست دریایی خلیج فارس، تنها با ایفای نقش بهینه هر هشت کشور در همکاری با یکدیگر و با ترویج صلح (هدف ۱۶ سند ۲۰۳۰)، میسر و مقدور می‌باشد؛ از این رو پیشنهاد می‌شود با گردهمایی‌های فیما بین به تنظیم دستورکاری مشترک پرداخته تا با الگوبرداری از اهداف توسعه پایدار دستور کار ۲۰۳۰، جهت‌گیری صحیحی در راستای اعمال شاخص‌های توسعه پایدار در منطقه خلیج فارس صورت پذیرد. در پایان با توجه به بررسی تمامی ابعاد و جوانب موضوع از منظر شاخص‌های توسعه پایدار، موارد ذیل پیشنهاد نمی‌شود:

ایران

۱- در بحث پیرامون شاخص‌های اجتماعی، توجه به آموزش در استان‌های ساحلی جهت حفاظت از محیط زیست دریایی احساس می‌شود و بهتر است در این زمینه برنامه‌ریزی بلندمدت شود و توجه به پایداری جمعیت و تعادل آن باید در سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی قرار بگیرد. توجه هر چه بیشتر به گردشگری پایدار و اعتنا به استانداردهای جهانی با استفاده تفریحی و گردشگری از منطقه ساحلی خلیج فارس در رسیدن به این شاخص، نقش خود را ایفا کند.

۲- با کاهش نرخ بیکاری و فقرزدایی، در تحویل شاخص اقتصادی تسریع گردد.

۳- با استفاده از تکنولوژی‌های نو، گنجاندن استانداردهای سکوی نفتی و نفت‌کش‌ها و ... در برنامه‌های آتی، به منظور کاهش و از بین بردن آلودگی‌های نفتی، شاخص محیطی را ارتقا بخشد.

امارات و قطر

دو کشور امارات و قطر در سال‌های گذشته پیشرفت بسیار زیادی در زمینه پایداری در خلیج فارس در تمامی شاخص‌ها داشته‌اند و تنها مورد قابل بحث زنان و توسعه پایدار (شاخص اجتماعی) است که توصیه می‌شود در این قسمت برنامه‌ریزی بلندمدت و فرهنگ‌سازی لازم انجام شود.

بحرین

این کشور از لحاظ شاخص‌های اقتصادی و محیطی تا حد استاندارد و وضعیت مناسب داشته است، ولی از لحاظ شاخص اجتماعی میل به ناپایداری دارد. پیشنهاد می‌شود که در زمینه‌های اجتماعی نظیر آموزش، زنان و پایداری جمعیت برنامه‌ریزی بلندمدت داشته و در زمینه‌های اقتصادی و محیطی با ارتباط سازنده با کشورهای قطر و امارات به پیشرفت‌هایی اساسی دسترسی پیدا کنند.

عربستان و کویت

این کشورها با بهره‌گیری بیش از حد از منابع نفتی و انتقال آن یکی از منابع اصلی آلوده‌کننده در خلیج فارس بوده که از لحاظ سه شاخص توسعه‌ای در حد ضعیف توصیف شده و می‌توان گفت میل به ناپایداری دارند. پیشنهاد می‌شود با فرهنگ‌سازی متناسب، ارتباط سازنده با کشورهای منطقه، احترام به قوانین بین‌المللی و منطقه‌ای در سال‌های آتی روند رو به رشدی را در برنامه خود داشته باشند.

عراق و عمان

این دو کشور مخصوصاً عراق از لحاظ پایداری در وضعیت بحرانی و ناپایداری است. بسیاری از عوامل، نظیر سیاست‌های درازمدت و جنگ‌های منطقه‌ای، بحران کار و آموزش، عدم فرهنگ مناسب جامعه مردمی و سیاسی در برخورد با محیط زیست در این دو کشور به چشم می‌خورد. امید است با برنامه‌ریزی همه‌جانبه و تغییر سیاست‌های کلی حفاظتی محیط زیست و فرهنگ‌سازی، به این مهم دست پیدا کنند.

منابع

الف) فارسی

- ابهری، حمید (۱۳۹۷)، «ابلاغ الکترونیکی اوراق قضائی؛ مزایا و معایب»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره هشتم، شماره سه.
- احمدزاده، ابوالفضل (۱۳۹۳). «مالکیت فکری پیش نیاز توسعه پایدار». مجله نقد کتاب اطلاع رسانی و ارتباطات.
- حافظ نیا، محمدرضا، ربیعی، حسین (۱۳۹۲)، مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس، تهران: انتشارات سمت.
- گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو (۱۳۸۹)، حقوق زیست محیطی بشر، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.

مقالات:

- پورهاشمی، سید عباس (۱۳۹۶)، «مروری بر ظرفیت‌ها و موانع تحقق اهداف توسعه پایدار: از دستورکار ۲۱ تا دستورکار ۲۰۳۰»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، انجمن متخصصان محیط‌زیست، صفحات ۷-۱۸.
- ساعدی، بهمن، آرش پور، علیرضا، فرزانی نسب، عبدالرضا (۱۳۹۸)، «مخاصمه مسلحانه عراق؛ تحلیل اقدامات ارتكابی داعش از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره دو، دوره چهل و نهم، صفحات ۸۳۶-۸۰۹.
- سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۲)، «مفهوم توسعه پایدار در گستره حقوق بین‌الملل انرژی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره چهل و نهم، صفحات ۱۶۶-۱۴۵.
- سنایی، اردشیر، ایرجی فر، طاهره (۱۳۹۲)، «تأثیر جهانی شدن ارتباطات بر ساختار سیاسی - فرهنگی کویت»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره بیست، سال پنجم، صفحات ۹۱-۱۱۱.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۲)، «منطقه‌گرایی و صلح‌سازی در جهان با تأکید بر خلیج فارس»، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، شماره دوازدهم، سال اول.
- شهبازی، آرامش (۱۳۸۹)، «توسعه پایدار یا پایداری توسعه در حقوق بین‌الملل»، مجله حقوق بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره چهل و چهار، سال بیست و هفتم، صفحات ۱۳۹-۱۲۵.
- صفرعلی زاده، اسماعیل، حسین زاده، رباب، اکبری، مجید (۱۳۹۷)، «تحلیل کارایی نسبی کشورهای خاورمیانه از لحاظ شاخص‌های توسعه پایدار»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره بیست و نهم، سال هشتم، صفحات ۱۲-۱.
- عبدالهی، محسن، فریادی، مسعود (۱۳۸۹)، «چالش‌های حقوقی سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران»، فصلنامه علوم محیطی، شماره چهار، سال هفتم، صفحات ۱۸۰-۱۴۳.
- علیزاده، محسن (۱۳۹۴)، «ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه گفت‌وگو حقوقی، شماره بیست و هفت و بیست و هشت، سال دوازدهم، صفحات ۷۶-۶۱.
- هاشمی، سید مصطفی، فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۹۵)، «عوامل مؤثر در ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی منطقه خلیج فارس»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره بیست و دوم، صفحات ۲۶۷-۲۹۳.

ب) انگلیسی

Books

- Boyle, Alan E. and Michael R. Anderson (eds) (1988), Human Rights Approches to Environmental. oxford university press, a collection of essays on the legal relationship between human rights and environmental protection.
- Kiss, A. and Beurier, J-P. (2004), International Environmental Law. Paris. Pedone.
- Mitchell, T. Jones, L., Lovell, E., (eds). (2013), Disaster Management in Post-2015 Development Goals: Potential Targets and Indicators. London, UK: ODI. See information in:
<http://www.odi.org.uk/sites/odi.org.uk/files/odiassets/publications-opinion-files/8354.pdf>

Articles

- Barral, Virginie. (2012), “Sustainable Development in International Law: Nature and Operation of an Evolutive Legal Norm”, The European Journal of International Law. Vol. 23 no. 2. P377-410.
- Dippenaar, Stephanie and Others (2004), "Developing Countries' Perspective on Energy and Water Issues, Council for Scientific and Industrial Research, South Africa, In Integrating Science and Technology into Development Policies, An International Perspective", Organization for Economic Co-operation and Development.
- Dixon, Rodney. (2008), Article 7 para. 1 chapeau, “Crimes Against Humanity”. in: Triflixrer Otto (ed). Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court- Observers' Notes. 2 edn. Munich.
- Morton, Stephen, Pencheon, David, Squires, Neil. (2017), Sustainable Development Goals (SDGs), and their implementation A national global framework for health, development and equity needs a systems approach at every level, British Medical Bulletin, Vol. 124, PP. 81-90.
- Stevens, Alex, Bur. Anne – Marie & Young, Lucy (2003), people, yobs, Rights& Power. The Rules of participation in combating social Exclusion in Europe, community Development journal, vol 38, no2, Aprial, oxford university press. P.p 84-105.
- Taliaferro, Jeffrey W. (2001), “Security Seeking under Anarchy”, International Security, Vol.25, No.3, winter 2001, pp: 158-159.

Documents

- International Monetary Fund. (2005), Regional Monetary Integration in the Member States of the Gulf Cooperation Council. Washington.

Sites

- <https://sustainabledevelopment.un.org/memberstates/bahrain>
- <https://sustainabledevelopment.un.org/memberstates/iraq>
- <https://sustainabledevelopment.un.org/memberstates/Oman>
- See [http://www.unep.org/ozone/pdfs/viennaconvention_2002.\(30.10.2019\)](http://www.unep.org/ozone/pdfs/viennaconvention_2002.(30.10.2019))
- <https://www.unescwa.org/news/arab-region-will-not-achieve-SDGs>
- <https://www.unescwa.org/events/postponed-arab-forum-sustainable-development-2020>

Reports:

- BTI. (2014). “Tunisia Country Report”, Available in: <http://www.bti-project.org>.
- ICJ Reports of Judgments, Advisory Opinions and Orders. (1996). Vol. 1
- Repucci, Sara.(2020). Freedom in the World 2020. Freedom House.
- SDG16+Progress Report 2019: Institute for Economics & Peace, p.2.
- UAE and the 2030 Agenda for Sustainable Development Excellence in Implementaiton 2017.